

قیمت: قبلاً حساب شده:

کارشناسان مالی در نقد عملکرد بانک مرکزی:

در نتیجه سیاست‌های فرزین، پول سرد شده است و در بازار نمی‌چرخد



کارتون: کاوه غاسملو

تخریب
شخصیت

گیر کن / صفحه ۴

گپ و گفתי
بامعتادان تفریحی

ترین‌های هفته / صفحه ۳

این جایزه رو بدین
دونالد جون!

کمیته / صفحه ۸

خبر داری مشهد کجا رفته؟!

- سلام داش بارون!
- سلام خورشیدخان!
- کم پیدایی داش بارون. دلمون برات یه ذره شده!
- زیر سایه شماایم خورشیدخان! شعاع نورت رو بردار، ما همون زیریم!
- نور بالای سری داش بارون! سلطان! مهر تموم شد، رفتیم توی آبان، شما برنامه‌ای واسه اومدن نداری؟!
- کجا پیام خورشیدخان؟! شما امر بفرما تا همه قطراتم رو خالی کنم برات!
- عزیزی داش بارون! همین مشهد خودمون! به خدا پوکیدم دیگه! از اول فروردین یه کله دارم روی آسمونش می‌تابم، گفتم پاییز می‌شه شما می‌ای می‌باری، من چند روزی می‌رم مرخصی و پشت رفیقمون ابر، یه چرت اساسی می‌زنم، ولی نصف پاییز هم رفت، نه شما اومدی نه ابر!
- اتفاقاً خورشیدخان! همین امروز به رفیقمون ابر گفتم قدیم از سمت شرق ایران که رد می‌شدیم، یه مشهد بود که هر چند روز خودمون رو روش خالی می‌کردیم، پس چرا دیگه نیست؟!
- چی زدی داش بارون؟! مشهد به این بزرگی که سر جاشه بامرام!
- نه به جون قطره‌هام خورشیدخان! بیا خودت نگاه کن! تو مشهد می‌بینی از این بالا؟!
- عه! راست می‌گی‌ها! اینجا که قبلاً مشهد بود. الان کجاست؟!
- قربون قدت خورشیدخان! شما بالاتری، از رفیقمون ابر سؤال کن ببین اون خبر نداره مشهد کجا رفته؟!
- سلام ابر! رفیق! تو خبر داری مشهد کجا رفته که دیده نمی‌شه؟!
- سلام رفقا! جایی نرفته. همون جاکه پر از هوای آلوده‌ست، همون مشهد! این قدر دود و سرب و گرد و خاک و ریزگرد ریخته توی هواش که دیگه نه واسه من ابر جا داره نه واسه بارون!
- دیدی خورشیدخان؟! فکر کنم شما باید یک چند ماه دیگه هم اضافه‌کاری و ایستی! با اجازه ت من و ابر یک سر بریم سمت شمال خودمون رو خالی کنیم! داره می‌ریزه!
- عزت زیاد داش بارون!

صفحه ۲
۳ آبان ۱۴۰۴
شماره ۱۵۲

مشهد ایچور بره؟!

خسرو آبادیان

ثبات احوال به چه قیمتی حاکمان را ثبت می‌کنند؟!



مهر ۱۴۰۴: باتوجه به اینکه ۶ میلیون نفر در صف کارت ملی هستند، حذف تراشه از کارت‌های ملی و جایگزین شدن بارکد روی کارت‌ها که دیگر از جنس پی‌وی‌سی مرغوب نیست، تصویب شد تا با این کار سرعت چاپ کارت‌های جدید ملی بیشتر شود. (همشهری)

مهر ۱۴۰۶: طرح تغییر جنس کارت ملی اجرا می‌شود و دیگر پی‌وی‌سی نخواهد بود. از این پس متقاضیان کارت ملی باید یک تکه مقوای سفید و قیچی با خودشان بیاورند تا کارکنان ثبت‌احوال آن را در ابعاد کارت ملی در بیاورند. ضمناً نیازی به عکس گرفتن در دفاتر پیشخوان و اسکن عکس روی کارت ملی نخواهد بود. هر شخص یک قطعه عکس سه‌درچهار همراه یک چسب ماتیک، از این جنس خوب‌ها، بیاورد تا عکسش روی کارت ملی چسبانده شود. در این عکس‌ها تصویر شخص به هیچ وجه نباید خوب افتاده باشد تا با کارت ملی بقیه افراد جامعه که در سال‌های گذشته صادر شده‌است، تفاوت محسوسی نداشته باشد.

آبان ۱۴۰۷: برای کمتر شدن زمان انتظار متقاضیان کارت ملی، هیچ بخشی از کارت ملی تایپ شده نخواهد بود و با یک خودکار مشکی پررنگ توسط کارمندان پیشخوان که مطمئناً از پزشکان خوش‌خطرتر هستند، نوشته خواهد شد. همچنین نیاز نیست سال و ماه و روز به دقت در کارت ملی ثبت شود. فقط یک گزینه قرن تولد وجود دارد که طبق آن، هر فرد متولد قبل ۱۴۰۰ متولد قرن چهاردهم و پس از ۱۴۰۰ قرن پانزدهم خواهد بود.

آذر ۱۴۰۷: اعلام شد با تلاش‌های مسئولان، آمار ۶ میلیون نفری که در سال ۱۴۰۴ چشم‌به‌راه صدور کارتشان بودند، کاهش چشمگیری داشته و اکنون به ۵ میلیون و ۹۹۹ هزار نفر رسیده‌است. کارشناسان می‌گویند این کوتاه‌شدن صف کارت ملی نشان‌دهنده موفقیت مسئولان در حل بحران‌هاست.

کنج تو کنج

منصوره احمدی

نشست دیپلماتی استانی در مشهد با حضور وزرای خارجه و گردشگری و رئیس مجلس



ورود وزیر خارجه به مشهد برای شرکت در دومین نشست منطقه‌ای دیپلماتی استانی



همایش روز ملی صادرات با حضور رئیس‌جمهور، وزیر صمت و صادرکنندگان ممتاز کشور



بازدید اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، از مؤسسه فرهنگی شهر آرا



همه توی یه کشتی نشستگانیم!

دل می رود ز دستم صاحب دلان خدا را
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا
کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز
باشد که باز بینم دیدار آشنا را
در حلقه گل و مل خوش خواند دوش بلبلی
هات الصَّبُوخ هُبُوا یا اِیُّهَا السُّكَّارَا

جناب حافظ در بیت اول از رازی صحبت می‌کنه که بالاخره برملا می‌شه، ولی معلوم نکردن اون راز چیه! گرون شدن بنزینه که رئیس جمهور تازه کشف کرده از آب هم ارزون تره و هی همه جا تکرار می‌کنه! یا سرنوشت اون بازیگر مشهوره یا راز سرقت جواهرات موزه لوور و ...
در بیت دوم اشاره به تغییر وضعیت کشتی های نفکش ایرانی در آب های بین المللی می‌کنه که گزارش شده بدون مخفی کاری و با پرچم ایران، باز داریم این کشتی های آشنا رو روی آب و صفحه رادار می بینیم.
معنی بیت سوم رو هم به علت خوب نخوندن دروس عربی دوره مدرسه متوجه نشدیم. احتمالا حضرت لسان الغیب داره درباره خرید لباس و کفش بازیکنای تانزانیا توسط ایران یا حتی گرونی ایران خودرو و سایپا و مرغ و میوه و تعرفه مکالمات موبایل و ... صحبت می‌کنه!



رئیس سازمان تنظیم مقررات: افزایش تعرفه اینترنت در دست بررسی است



صفحه ۲
۳ آبان ۱۴۰۴
شماره ۱۵۲

این جایزه رو بدین دونالد جون!

گفته است وام کم بهره سفر داده خواهد شد. با تشکر از آقای وزیر که فکر مسافرت ما به یک شهر دیگر هستند، فقط امکانی را ایجاد کنید که در شهر مقصد هم بتوانیم وام کم بهره سفر بگیریم تا پول داشته باشیم که بتوانیم از مقصد به مبدأ برگردیم! شروع اقساطش هم پس از برگشتن و زمانی که رسیدیم منزل و گفتیم هیچ جا خانه خود آدم نمی‌شود، آغاز شود.

تمشکی ترین پلخمون هفته: می‌رسد به طراحان مد و لباس که پس از این همه تاریخ غنی مد و پوشاک، تازه این ایده کاملاً خلاقانه به ذهنشان رسیده است که یک کفش به شکل سم الاغ طراحی کنند. برند معروف کفش الکساندر مک کوئین این هفته از بوت های جدیدش با طرح سم الاغ و قیمت ۲ هزار و ۹۹۰ دلار رونمایی کرد. احتمالاً زمان خرید این کفش هم فروشنده به جای اینکه بگوید «یه کم باهاش راه برو بین چطوره؟» به مشتری می‌گوید «یه کم باهاش بورتمه برو و چندتا جفتک بنداز بین راحته توی پات؟!»

معتبرترین جایزه هفته: اعلام شد که ترامپ بالاخره یک جایزه صلح گرفت. رئیس جمهور آمریکا طی مراسمی در کاخ سفید، جایزه «معمار صلح» را از بنیاد نیکسون دریافت کرد. یادمان افتاد دوران مدرسه مامان ها می‌دیدند فرزندشان هیچ جایزه ای از مدرسه نگرفته است، خودش جایزه می‌خیرد و به صورت سری و محرمانه تحویل معلم می‌دادند و می‌گفتند: «بی زحمت بهش بگین این جایزه از طرف خودتونه!»

دلخوش کننده ترین دست کاری هفته: عارف گفته است: «نباید برای دلخوشی مسئولان داده ها دست کاری شود». مطمئن باشید آقای عارف این دست کاری در آمار فقط برای دلخوشی مردم اتفاق می‌افتد. نه مسئولان. چون مثلاً ما اگر برنج را دو برابر سال قبل بخریم، فکر می‌کنیم تورم صد درصد است ولی درصد تورم حول و حوش ۳۰ درصد اعلام می‌شود. این نرخ اعلامی شما واقعاً جای دلخوشی دارد.

واجب ترین وام هفته: وزیر گردشگری



ضرورت اقلان افکار عمومی درباره افزایش قیمت بنزین

برنج و گوشت، مرغ و میوه و نان
شن و آهن، کلنگ و بیل و سیمان
همه هستند از یک دم گران، پس
چرا باید بماند سوخت ارزان؟

مدل باغبانی فرهنگ، رانندگاه را به سمت اتنول بنیادین می‌برد

الا ای باغبان مهرپیشه
بیاور اره و قیچی و تیشه
هرس کن باغ فرهنگ و ادب را
ولی آن را نکن لطفاً ز ریشه

ایران در حذف پول فیزیکی مقام اول در دنیا قرار

از سر لطف شما هستیم من این گونه فقیر
روسیا هم پیش فرزندان خود مانند قبر
حذف شد تنها نه پول نقد و فیزیکی کنون
بلکه کلا حذف شد هر پول از جیب فقیر

ترامپ: من خیلی رئیس جمهوریه در بنخوری هستم. باین خیلی به در بنخوری بودا

باز هم شیرین زبانی کرده ای در رویترز
گفته ای باین خرفت است و نباشد چون تو فرز
گفته ای خیلی به درد مردم خود می‌خوری
می‌خوری حتماً به درد اما به درد لای جرز

گپ و گفتی با معتادان تفریحی

مدیرکل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر گفته است حدود ۱,۶ میلیون نفر در ایران مواد مخدر را به صورت تفریحی مصرف می کنند. این آمار نگران کننده و در میان جوانان در حال گسترش است. به همین بهانه با چند معتاد صحبت کردیم تا نظرشان را در این باره بدانیم.



چرا این جوری می کنی بابا؟
گفتم که فقط می ریم تفریح!

از همین تفریحی شروع می شه!
اول می زنین شیشه همسایه رو
می شکونین. بعد همون رو می کشین
عملی می شین! چقدر می گیری
بی خیال تفریح بشی؟

کارتون: شهرام شیرزادی

صفحه ۴
۳ آبان ۱۴۰۴
شماره ۱۵۲

- **خبرنگار:** شما تفریحی مصرف می کنین یا حرفه ای؟
- **معتاد اولی:** این خیلی سؤال زشتیه. یادت باشه هیچ وقت از یک معتاد نپرس حرفه ای مصرف می کنه یا نه. ما همه مون تفریحی می زنیم. هر از گاهی، هروقت متاعش باشه و حس داشته باشیم. حرفه ای یعنی چی؟ مگه ما معتادیم؟
- **شما چطور؟** چه تفریحی می کنین با مصرف مواد؟ با شما هستیم... آقا...
- **معتاد دومی:** چی می گی؟ مگه نمی بینی دارم تفریح می کنم؟ اصلا کل مصرف مواد تفریحیه. از اول تا آخرش، از روشن کردن زغال تا اون چایی نبات آخرش...
- **لطفا مراعات کنین و بیشتر توضیح ندین!**
- **خودم حواسم هست.** نمی خوام که دست زیاد بشه! خلاصه که مواد فقط برای تفریح زده می شه. حالا یه عده زیاده روی می کنن. اونا دیگه خیلی تفریحشون سنگینه!
- **نظر شما درباره مصرف تفریحی مواد چیه؟**
- **معتاد سومی:** متأسفانه با این تورم دیگه نمی شه یه تفریح درست و حسابی بکنیم. تفریحاتمون لا کچری و گرون شده و داره کم می شه. از همین جا از مسئولان درخواست می کنم که یه فکری به حال فشر زحمتکش معتاد بکنن تا بتونن با بودجه کم هم تفریح کنن. کلا نقش تفریحات داره توی زندگی مون کم رنگ می شه. حیفه واقعا. این تفریحات رو از ما بگیرین...
- **آقا... آقا... بیخشین از خواب بیدارتون کردم...**
- **معتاد چهارمی:** خواب نبودم. چرت می زدم. جانم؟
- **می خواستم ببینم شما هم تفریحی مصرف می کنین؟**
- **نه عزیزم.** من خیلی هم حرفه ای مصرف می کنم. تفریحی مال این تازه کارا و بچه مچه هاست که اول کارن. ما توی لیگ دسته بالا هستیم. یادش به خیر زمانی که
- **تفریحی از زمین خاکی شروع کردیم...**
- **خب ممنونم...**
- **چی چی رو ممنونم؟** چرت من رو پروندی که بهم تهمت تفریحی بزنی؟ مگه شهر هزته؟ واستا ببینم...
- **به خیر گذشت!** نظر شما درباره معتاد هایی که تفریحی مصرف می کنن چیه؟
- **معتاد پنجمی:** مصرف نکنین، نه تفریحی نه حرفه ای، نه پاره وقت، نه دورکار، نه غیر رسمی، نه نقدی، نه نسیه، نه شبانه، نه روزانه... اصلا و ابدا مصرف نکنین. با همین تفریحی شروع می شه و کار به جاهای بد می کشه...
- **چه عجب یکی حرف درستی زد!** ممنون از شما به خاطر این هشدارتون.
- **خواهش می کنم.** ضبط صوت رو خاموش کردی؟ حالا بیا یه بست بزنی روشن بشی. بیا... کجا در می ری...؟ تفریحیه... نترس!

با طبیعت

ارتباط بگیرید

ماسک مانع دوستی شما با ذرات معلق می شود. اجازه دهید مستقیم وارد بدنتان شوند تا سیستم ایمنی تان سرگرم شود. این خودش به تقویت لایه های دفاعی بدن هم کمک می کند!

اولویت بندی کنید

در این روزها نباید کار مهمی مثل خرید لباس، شست و شوی خودرو، یا قدم زدن با فیجان قهوه در هوای خاکستری را عقب بیندازید. چه کسی می داند تعطیلی بعدی کی است؟!

از خانه بیرون بروید

زندگی فرصتی کمیاب برای تجربه تنفس عناصر جدول مندلیف است. بیرون بروید، نفس عمیق بکشید، واگر سرفه کردید، بدانید دارید با ریه تان ارتباط عاطفی برقرار می کنید.

مشهد!

تکرار غریبانه
آلودگی هایت
چگونه
گذشت؟! 

فرهنگ شهروندی
فرزانه زمینی

چیزه... نه پایا! نمی خواد. اینا طوری شون نیست. به آب جوش نبات می خورن ردیف می شن! دست شما درد نکنه.



کارتون: شهرام شیرزادی

داروی کمتر سلامت بیشتر

احمد آریایی نژاد، عضو کمیسیون بهداشت مجلس، گفته است: «دارو به شدت گران شده و مردم نیازمند دارو هستند؛ در حدی که بعضی ها قید دکتر رفتن را می زنند. شیر خشک هایی داریم که نایاب هستند و دارو خانه ها ندارند. در حالی که رژیم غذایی کودک شیر خوار غالباً شیر است. سیستم بیمه هم خودش بیمار است.» طبق معمول نگاهی می اندازیم به دفتر روزنوشت های یک مسئول دارو تا ببینیم چطوری این طوری شده است.

شنبه دارو، دشمن سلامتی

رسانه ها شاکی هستند که ازیس دارو گران شده است. مردم قید دکتر رفتن را زده اند. چون کار رسانه غرزدن است. جوابشان را ندادم. ولی اتفاقاً این امر میمون و مبارکی است. مردم هرچه کمتر به پزشک مراجعه کنند، بدنشان قوی تر بار می آید و نیازی به دارو نخواهند داشت. مثلاً قدیم ها، زمان انسان های اولیه، مگر دارو بوده است؟ هرکسی که بیمار می شده، آن قدر صبر می کرده است که خوب بشود، یا نهایتاً بمیرد.

دوشنبه بیمه های بیمار

دارو خانه ها می گویند از بیمه طلبکار هستند و نزدیک است ورشکسته بشوند. بیمه می گوید از

بدهد. همان جا مجوز را صادر کرد. دادم به شایان جان و گفتم فردا برو از دولتی اش را بگیر و از جزایر قناری وارد کن. می گویند داروهای اسهال آن منطقه خیلی خوب و مؤثر است. خدا سایه ما مسئولان خدوم و زحمتکش را از سر این مردم کم نکند.

پنجشنبه یکی هم غنیمت است

آبدارچی اداره گفت رفته دکتر و دارو خانه از داروهای نسخه اش فقط یکی را قبول کرده است. شاکی بود که این چه وضعیت است. برایش با برهان و دلیل اثبات کردم که برود خدا را شکر کند که همین یک دارو را هم بیمه حساب کرده است. خیلی ها هستند که هیچ دارویشان را بیمه قبول نمی کند. خیلی خوش حال شد و حسابی تشکر کرد. به هر حال هرکاری از ما برمی آید، باید برای شادی دل مردم انجام بدهیم.

دولت طلبکار است و دارد ورشکسته می شود. دولت می گوید وضع مالی خراب است. مردم می گویند وضع ما هم خراب است. والا ما که چیز بدی نمی بینیم. تعداد افرادی که جلو بیمارستان ها و دارو خانه ها و ساختمان پزشکان و مطب ها صف کشیده اند، نشان می دهد که وضع مردم خوب است که از عهده این ویزیت ها برمی آیند. واقعاً زشت است که این قدر غر بزیم.

چهارشنبه داروی قناری

زیر درخت اسطوخودوس حیاط نشسته بودم که شایان جان آمد و گفت می خواهد با دوست هایش برود خارج. هرچه گفتم صلاح نیست در این وضعیت بروی و هوا سرد می شود و بگذار تابستان که بیشتر خوش بگذرد، قبول نکرد. ناچار موافقت کردم. به مهندس زنگ زدم که مجوز واردات داروی اسهال

هیچ وقت ورزش را فراموش نکنید

دور پارک شهر بدوید. ورزش همیشه مدافع سلامتی است و خود به خود همه مسائل را حل می کند. اگر دیدید هوا تیره تر شد، نترسید؛ احتمالاً به مرز آلودگی جسمی-شیمیایی رسیده اید.

شیر بنوشید

در فرهنگ عمومی، شیر مصداق درمان جهانی آلودگی است. پس با اطمینان کامل، در حالی که هوای خاکستری را می بلعید، یک لیوان شیر هم بالای آن بنوشید تا ریه هایتان طعم زندگی را حس کنند.

وسایل نقلیه عمومی را فراموش کنید

درست است که خاموش کردن خودرو شخصی باعث کاهش آلودگی می شود، اما آلودگی کمتر، حس ملی هم دردی را از بین می برد. پس با تحریم وسایل نقلیه عمومی و استفاده از خودرو تک سرنشین، دینتان را به همدلی ملی ادا کنید!

دعا کنید

لایذ شنیده اید که در این جور مواقع می گوئیم: «به بارون بیاد، تمومه!» و بعد از باران، وقتی همه آلودگی در قالب گل روی ماشینمان نشسته است، دوباره ناله می کنیم: «باز ما این ماشین رو بردیم کارواش!»



وزیر گردشگری:

یک فرسنگ برآب جوش

وام کم بهره برای مسافرت به مردم داده می شود

در راستای پیشگیری از به خطر افتادن جان برنده صلح نوین و مابقی مردم جهان ترامپ بالاخره یک جایزه صلح گرفت!

وزیر علوم:

ی آقا

دانشجوها اگر مشکل خوابگاهشان حل نشد با همراه داشتن یک پتو و بالست به دفتر خودم مراجعه کنند

توانیر:

اگر مصرف مشترکی به بیش از ۰.۵ آبراهر الگو برسد قیمت برق او پنج برابر نرخ پایه محاسبه می شود به صدتا، مای زینم سیصدتا

هفته ای یک استاد دانشگاه عادت زنت پیدار کردن دانشجویان شریف را ترک می کند وصی رویسان پتوی اندازد خوراید سرطاس

وزیر اقتصاد:

کارت

آفرین، صد آفرین،

هزار و سیصد آفرین

به هکس جرئت کند

در این وضعیت اقتصادی

اعتباری جایگزین

یا مکمل وام ازدواج

ند، داده

خواهد شد

کمتر بانوان در اعتراض به نبردن آقایان، نخت انگلیس «تحریر الشام» را از فهرست گروه های تروریستی خارج کرد غذایی

پیرگه آرش آریایی

معاون وزیر کشاورزی: افزایش قیمت برنج باعث خوش حالی کاران شده است.

آنچه در صنف شالی کاران می گذرد

۴

من از کجا باید می دونستم تو دوتا کاغذ نوشتی؟

۳

مردک! چرا صفحه دوم نامه رو نفرستادی که داریم از گرونی بقیه اجناس سرویس می شیم؟

۱

ایول! بالاخره یک عده از گرونی خوش حال شدن. قربان، به نامه اومده. شالی کارا گفتن خوش حالن برنج گرون شده.

۶

بابا من خودم هم بدبخت شدم. نونوایی به من نون نمی ده، می که برو با خوش حالی برنج بخور.

۵

بزنم توی سرت با این ارسال نامه ت؟!؟

۲

این قدر قیمتت رو خوب بردیم بالا که شالی کارا خوش حالن. احسنت! جدی می فرمایید؟! دم شما گرم!

صفحه ۶
۳ آبان ۱۴۰۴
شماره ۱۵۲

ناسوس فرشته شایان

به برکت درایت بنده و همکارام، این قدر بوده بخورن که به کالری شماری افتادن. آدمی که اضافه وزن نداشته باشه، کالری می شماره مگه؟ شک نکنین ایناتوی دوره کات و چربی سوزی هستن. شده از خودتون بپرسین چرا امسال دوبار مرغ گرون شد؟ یا گرونی گوشت برای چی؟ پشت گوشتی که با ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ به قیمت ۸۰۰ هزار تومن می رسه دست مردم کیه؟ آفرین! به مدیر دلسوز که نمی خواد ملت به اضافه وزن گرفتار شن.



وزیر کشاورزی

بحمد... مردم فهیم و شریف کشور بعد از اینکه بنده عرض کردم «چینی ها به یکی دو وعده غذا قناعت دارند، اما مردم ما این طور نیستند» به خودشون اومدن و دارن به تکونی به خودشون می دن. احسنت به این ملت همیشه در صحنه.



مقام مسئول

وزارت بهداشت: نیمی از جمعیت کشور، چهار گروه اصلی غذا را به میزان کافی دریافت نمی کنند. میزان مصرف گوشت برای هر فرد، کمتر از پنجاه گرم و کالری دریافتی تعدادی کمتر از ۱۵۰۰ کالری در روز است. (انتخاب)

پنجاه گرم؟! شوخیه دیگه؟ اینکه خیلی زیاده! عجیبه که هنوز عده ای گوشت مصرف می کنن. نتایج پژوهش ها نشون می ده پروتئین موجود در گوشت پیش از اینکه خودتون رو از باتری قلمی ای ریکو به داداشی ای خیکی تبدیل کنه، روی سلولای سرطانی این اثر رو داره. خلاصه بخوام عرض کنم، «گوشت خر است».



دانشمند زاپنی



به زبون شما چی می شه؟!

درست کردن، بیایم بیرون. «مرغ گفت: «خارجیا یا دلالی های خودتون؟! شما که دولت و مجلس هر قانونی می ذاره، به راه دورزدن برایش پیدا می کنین.» زندانبان گفت: «این بار همه راه ها رو بستن. باید مرغا رو بریزیم توی بازار تا حساب کار دستشون بیاد. عروسی شون رو عزا می کنیم!» مرغ گفت: «قدقدقا! یعنی مرغ عزا و عروسی؟ تا مشکل پیدا می کنین، از ما مایه می ذارین! تا رگیا هم که عزاها عروسی شده و دست می زنن و ماستا رو می ریزن توی قیমে ها! من آزادی نمی خوام!» زندانبان عصبانی شد و گفت: «به زبون خوش می آیی یا خودم پیام قاطی مرغا و به زور بیارمت بیرون؟!» مرغ با تمسخر گفت: «فکر نکنم زورت به من برسه!» زندانبان با عصبانیت وارد سلول مرغ شد. همین که وارد شد، مرغ از بین دو پای زندانبان فرار کرد و از سلول خارج شد و در سلول رابست. زندانبان دوید و چسبید به میله ها و گفت: «چی کار می کنی؟! اگه تو بیرون آزاد باشی، می خورنت! آخه کی می خواد بازارت رو تنظیم کنه؟» مرغ گفت: «عیب نداره، مردم مارو بخورن بهتر از اینه که شما دلالاکه همه چی رو توی این سلولاکرونه می دارین، بخورین! الانم به راست می رم سازمان تعزیرات حکومتی، راپورتت رو می دم!» «یه دلال بازار مرغ رو گرفتیم» به زبون شما چی می شه؟! (پایان)

زندانبان گفت: «من می گم تو آزادی! باز وایستادی اون تو؟!» گفت: «من بیرون بیا نیستم!» زندانبان گفت: «قدیمیابراه نگفتن که مرغ یه پا داره!» گفت: «بیام بیرون که قربونی خواسته های شما بشم؟!» زندانبان گفت: «نه، تو بیا بیرون، آزادت می کنیم، ولی ازت حمایت هم می کنیم.» گفت: «حمایت های قبلی تونم دیدیم! هی می گین آزادسازی، بعد همه چی رو ول می کنین به حال خودش.» زندانبان گفت: «این بار فرق می کنه. قیمت همه چی رو می خوایم آزاد کنیم! البته پلکانی.» مرغ نوکی به دانه ها زد و گفت: «این پله نیست دیگه، سر سره ست! قیمت همه چی رو چند برابر کردین.» زندانبان گفت: «فضای بسته اقتصاد دیگه تموم شد. شاید اینجا رو هم بکوبیم، به جاش یه ورزشگاه آزادی جدید بزنیم!» مرغ گفت: «با کدوم برنامه؟! با برنامه های بومی و داخلی یا الگوهای خارجی و دلالی؟! مرغ همسایه مثل اینکه برای شما غازه» زندانبان گفت: «نه، خیالت راحت. فکر همه چی رو کردیم. ما همه تخم مرغا رو توی یه سبد نمی داریم. تو فقط بیا بیرون!» مرغ گفت: «الان که به نظر می آد همه تخم مرغا رو نیمرو کردین، سبد رو هم گرو گذاشتین تا دون من و بقیه رو تأمین کنین!» زندانبان گفت: «ما باید به هم کمک کنیم تا از این حصارایی که خارجیا برامون

صفحه ۷
۳ آبان ۱۴۰۴
شماره ۱۵۲

رئیس دانشگاه فردوسی مشهد:

مدیران موفق سابقه فعالیت در تشکلهای دانشجویی را دارند.

(ایستنا)



حمید لولایی:

بازیگران و
کمدین های
موفق سابقه
ریختن قیমে ها
توی ماست ها
را دارند.

حبیب لیسانسه ها:

یک داماد
موفق توانایی
عاشق سه مورد
شدن در یک
روز را دارد.

فدراسیون فوتبال:

مربیان موفق
سابقه انداختن
تقصیر بخت
به گردن
زمین، داور و
تماشاگران را
دارند.

یک مصرف کننده:

مشافران
فزایی موفق،
سابقه حوژور
در پارک شر
کوچه ما را
دارند.

یک کلاهبردار:

دارندگان موفق
آیفون ۱۷
پرو مکس
سابقه
ثبت نام در
کوروش کمپانی
و واریز
۲۰ میلیون
تومان را دارند.

بلا تکلیفی در جانمایی آرامستان؛ دست
رد شهرهای مجاور به سینه تهرانی ها

بی خانمان

هوا آلوده است و منبع سم
پر است از ریگرد، از دود و از دم
رکورد دود را شهرم شکسته
شده دوم پس از اینجا جهنم
شده با این بهانه باز تعطیل
ادارات و مدارس هردو با هم
در این اوضاع من در حال مرگم
به تخت خویش می لرزم چنان بم
همه اطراف من در حال بهت اند
همه در حالت سوگ اند و ماتم
در آن سو کامی و بهرام و بهروز
در این سو، سوگل و سیمین و تکتیم
نمی دانم چرا در این میانه
زند بر کله اش هوشنگ، محکم!
به او گویم نخور غصه پسر جان
نگیر این قدر بر خود سخت جانم
که دنیا نیست هرگز جای ماندن
به رفتن کلمان هستیم ملزم
اگر باشی تو مجنون یا که فرهاد
اگر باشی نریمان یا که رستم
رسد ناگاه عزرائیل از راه
تو را با خود برد قدر مسلم
جوابم داد هوشی! که پدر جان
نباشد غصه بنده از این غم
به قول شاعر مشهور عریان
چه می شدگر یکی می بود دردم؟
در این دل غصه ای دیگر نهفته ست
که زخمش را نباشد هیچ مرهم
کنون که می روید از دار دنیا
پس از عمری مصیبت با قدی خم
نمانده هیچ قبرستان در این شهر
چه باید کرد در این واپسین دم
کجا بایست ما خاک نماییم
الهی بر سر ما خاک عالم!
نه تنها در حیات خود که حتی
پس از مرگ نداری خانه ای هم!

الهی!
از تو انتظار داریم به ما که برای هزارمین بار
سریال یوزارسیف را می بینیم و آمار بینندگان
تلویزیون را به بیش از ۷۰ درصد رسانده ایم،
به اندازه هفت کیسه گندم مصری و برنج ایرانی
پاداش بدهی.

پلخمو

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر
سردبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر: ضلیم: ارزنگ حاتمی
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی راد
صفحه آرای: ساعد عاشوری

پیمابک: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir

تخریب شخصیت

در راستای برخی فیلمای منتشر شده که نمی تونیم بهشون اشاره کنیم،
از بعضی اشخاص مشهوری که اتفاقا به اونا هم نمی تونیم هیچ اشاره ای
بکنیم، می خوایم به ترور شخصیت و تخریب اشاره.... اونم نمی شه؟ اینکه
می شه کلا ببینیم انواع تخریب شخصیت چطوره؟

بایگانی مخوف:

از دال دال چی داری؟ تازه گیا زیاد
زر زرمی کنه. بهش بگیم ازش فیلم
ناچور داریم، شاید سر عقل بیاد.

این دال دال و سین شین خیلی بچه مثنین،
ولی به فیلم از مهدکودکش داریم که توی
به موقعیت ناچوری قرار می گیره. همین رو
بهش بگی، حساب کار درستش می آد.

قربان سوژه روزیر ضربه گرفتیم،
چون سالم در نمی بره، کارش
تمومه. تمام!

مباران رسانه ای:

نمایش وارونه:

شاخص های عملکرد بنده
همین طور که می بینین،
صعودیه.

سندزدن:

می دونین همه این ساختمانها
مال کدوم مسئوله؟

بعله! تازه می گن هواپیمایی
معروف و نصف زمینای شمال
هم مال دامادشه!

شایعه سازی:

دروغم چیه؟ می گم رئیس مون
دیشب از سواحل همدان با
شنازده به چاک و فرار کرده.

فیلم خصوصی:

اشکال نداره، اون رو با
فتوشاپ درمی آریم! روی
کیکشون خوب زوم کن!

این پدر عروس دل به کار
نمی ده قربان! هنوز نیومده
وسط که ازش آتو بگیریم!

جدی می فرمایین؟
کجا فرار کردم؟

نامردا صدا تابدل دارن!